

Historical Study of the Semantic Evolution of the Term " Rāfīḍa" in the First Three Centuries AH

Heidar Dabbaghi*

Ali Aqanuri , Nemat Allāh Safari Forushani*****

(Received on: 2021-04-27; Accepted on: 2021-12-30)

Abstract

The term *Rāfīḍa* was widely used in the first centuries. This title was applied to identify Shiite groups in the first century and became widespread in the second and third centuries. There have been various and sometimes contradictory views about this term. The main meaning of this term has evolved over time and other meanings have been added to it. The main question is: what was the meaning of *Rāfīḍa* in the first three centuries and what was its first usage? The main hypothesis is that the basic meaning of *rafḍ* (rejection) was to consider the caliphate of *Shaykhayn* (Abū Bakr and Umar) illegitimate, which gradually evolved in meaning and concept. This article has used descriptive-analytical and multidisciplinary methods and has employed various approaches of sectarianism, historiography, and hadith studies. We tried to explore different perspectives and provide the ability to evaluate them. The result of this article is that *Rāfīḍa* was formed within the framework of a sectarian title for the notoriety of the Shiites in the first century and spread in the following centuries being a pretext for rejecting them.

Keywords: Rafḍ, Rāfīḍa, Rawāfīḍ, Imāmiyya, Zaydiyya, Sunnīs.

* Ph.D. Student in the Islamic History and Muslim Civilization, the Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author), heidar.dabbaghi@ut.ac.ir.

** Associate Professor, Department of Shiite History Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, aghanoori@urd.ac.ir.

*** Professor, History of Islam Department, Mustafa International Society, Qom, Iran, i-n-safari@miu.ac.ir.

بازشناسی تاریخی سیر تطور معنای اصطلاح «رافضه» در سه سده نخست هجری

حیدر دباغی*

علی آقانوری**، نعمت‌الله صفری فروشانی***

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹]

چکیده

اصطلاح «رافضه» در سده‌های نخستین بسیار به کار رفته است. این عنوان برای شناساندن گروه‌های شیعی در سده نخست بوده و با گذر زمان در سده‌های دوم و سوم فراگیر شده است. درباره این اصطلاح داوری‌های گوناگون، و گاه متضاد، شده است. معنای اصلی این اصطلاح با گذر زمان دچار تطور شده و معانی دیگری به آن افزوده شده است. پرسش اصلی این است که: عنوان «رافضه» در سه سده نخست چه سیر معنایی‌ای داشته و نخستین کاربردش چه بوده است؟ فرضیه اصلی این است که معنای اصلی «رفض»، نارواشمردن خلافت شیخین بوده که رفته‌رفته دچار تطور در معنا و مفهوم شده است. این نوشتار روش‌های توصیفی تحلیلی و چندرشته‌ای را به کار برده و از روش‌های گوناگون فرقه‌شناسی، تاریخی، حدیثی و رجالی بهره برده است. کوشیدیم دیدگاه‌های گوناگون را بررسی کنیم و توانایی سنجش میانشان را فراهم آوریم. دستاورد این مقاله این است که رافضه در چارچوب عنوان فرقه‌ای برای بدنامی شیعیان در سده نخست شکل گرفته و در سده‌های پسین گسترش یافته و دستاویزی برای واپس‌زنی آنها بوده است.

کلیدواژه‌ها: رفاضه، روافض، امامیه، زیدیه، اهل سنت.

* دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
heidar.dabbaghi@ut.ac.ir

** دانشیار گروه مطالعات تاریخ تشیع، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
aghanoori@urd.ac.ir

*** استاد مجتمع آموزش عالی تاریخ، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران
i-n-safari@miu.ac.ir

مقدمه

با نگاهی به نوشتارهای مسلمانان در سده‌های گوناگون با اصطلاح پرکاربرد به نام «رافضه» روبه‌رو می‌شویم که به عنوان شناسه شیعیان امامیه به کار رفته است. امروزه در جای‌جای نشست‌های گوناگون مسلمانان، به‌ویژه در فضای مجازی، نیز انتساب این اصطلاح و بدنامی به شیعیان به‌فراوانی دیده می‌شود. با وجود چنین کاربرد گسترده‌ای، درباره پیدایش این اصطلاح و مفهومی ابهام‌هایی هست. گاهی این عنوان برای همه گروه‌های ناهمگون شیعی به کار برده شده و گاهی به گونه‌ای ویژه برای برخی از گروه‌ها همچون غالیان، کیسانیه و امامیه به کار رفته است. با این حال، برخی از نویسندگان به‌کارگیری‌اش را شایسته شیعیان نمی‌دانند. در مقابل، شماری آن را ویژه گروه‌های تندروی شیعه (غالیان) می‌دانند، گرچه برخی از اهل سنت می‌کوشند آن را برای همه شیعیان به کار ببرند. این‌گونه کاربردها از سده دوم و پس از آن رایج، و آرام‌آرام فراگیر شده است. همچنین، از دید تاریخی عنوان «رافضه» دچار تطور شده و به معانی گوناگونی به کار رفته است. در این نوشته کوشیده‌ایم با بهره‌مندی از منابع اسلامی سده‌های نخستین معنای اصلی آن را شناسایی، و دیگر معانی گوناگونی را بررسی کنیم که در گذر زمان به آن افزوده شده است. تا کنون درباره این عنوان نوشته مستقل و فراگیری که درباره سیر تطورش بحث کند منتشر نشده است و فقط جستارهای پراکنده‌ای در لابه‌لای برخی کتاب‌ها و مقاله‌ها به چشم می‌خورد. نگاهی به فهرست نوشته‌های کنونی درباره این عنوان، ضرورت نگارش نوشته‌ای فراگیر و مستقل را به‌خوبی آشکار می‌کند. در پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان «سیر تطور تاریخی اصطلاح «رافضه» در سه قرن نخست» تلاش شده عنوان «رافضه» در سه پهنه فراگیر مفهوم‌شناسی، تاریخ‌شناسی و مصداق‌شناسی، با ذکر دیدگاه‌های مهم اهل سنت و شیعه تا سده سوم بررسی شود. در نوشتار پیش رو، با توجه به محدودیتش، کوشیده‌ایم سیر تطور معنای این واژه را از معنای اصلی به معانی دیگر بررسی کنیم تا نمای روشنی از معنای اصطلاحی و مصداقش برای خواننده نمایان شود. از دیگر امتیازات این نوشته افزون بر پرکردن کمبود علمی و پژوهشی، این است که می‌توان با مطالعه‌اش نمای

بهتری از جایگاه شیعیان باورمند با رویکردهای کلامی ویژه در سده‌های نخستین تاریخ اسلامی به دست آورد. همچنین، با شناخت ویژگی‌های رفض که در بدنامی شیعیان به کار می‌رود، می‌توان راه کارهای سودمندی را در همکنش و رویارویی با دیگر گروه‌ها و مذاهب اسلامی جست.

واژه‌شناسی

این عنوان در اصطلاح‌های فرقه‌ای همانند دیگر عنوان‌های فرقه‌ها در بازه زمانی روشنی پدیدار شده است، گرچه برخی از نام‌های فرقه‌ها پس از گذر زمانی از پیدایش آن فرقه در میان مردم پا می‌گیرد. به دیگر سخن، عنوان فرقه از آغاز پیدایش همراه آن نبوده و سپس بر سر زبان‌ها می‌افتد. برخی از جریان‌های فکری و مذهبی پس از زایش‌شان در جامعه در فراز و فرودهای تاریخی دچار دگرگونی یا تطور می‌شوند. برخی گونه‌ها از بستر روزگار ناپدید شدند، همان‌گونه که برخی دیگر در دل گروه‌های دیگر فرو رفتند. برخی دیگر نیز نام یا نهادشان دگرگون شده است. از این‌رو، در پژوهش‌های فرقه‌نگاری شناسایی سرآغاز پیدایش جریانی فکری، بسیار باارزش می‌نماید. همچنین، باید بستر و فضای فکری و اجتماعی شکل‌گیری فرقه‌ها ژرف و اکاوی شود، همچنان که بایسته است به سیر تطور معنا و مفهوم عنوان فرقه‌ها توجه کرد. اگر غیر از این باشد نمی‌توان به درستی فرقه‌ها پی برد. در این نوشتار بر آنیم تا با مطالعه دیدگاه‌های گوناگون از منابع کهن، بستری را که در آن عنوان «رافضه» به وجود آمده است بشناسیم و با معانی گوناگونش که در گذر زمان به معنای اصلی افزوده شده است در هنگامه سه سده نخستین آشنایی بایسته به دست آوریم.

واژه «رفض» در دانش واژه‌شناسی به معنای رهاکردن چیزی است (ابن‌سکیت، ۱۴۱۲: ۱۷۶)؛ به معنای سربازانی است که قائد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۹/۷) یا امیر خود را رها کرده و از او جدا شدند (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴۲۲/۲-۴۲۳). همچنین، به هر گروهی از آنها «رافضه» گفته می‌شود و به هر کس از آن گروه «رافضی»، و جمعش را «روافض» گویند. این واژه در معنای واژگانی‌اش در رویدادهای تاریخی بسیاری به کار رفته است. چند نمونه را

یاد می‌کنیم: ۱. در گزارش فتح شهر دمشق در سال (۱۳ ه.ق.) سربازان پراکنده رومی به «رافضة الروم» شناسانده شدند (طبری، ۱۴۰۳: ۶۲۲/۲-۶۲۳)؛ ۲. در داستان شورش اصحاب جمل، معاویه به عمرو بن عاص نامه‌ای نگاشت که در آن مروان بن حکم که از سپاه شورشیان جدا شده بود به «رافضة أهل البصرة» شناسانده شده است (ابن مزاحم، ۱۳۸۲: ۳۴)؛ ۳. در بازگویی پیشامدهای سال ۷۵ ه.ق هنگامی که حجاج (متوفای ۹۵ ه.ق.) از سوی عبدالملک بن مروان (حک. ۶۵-۸۶ ه.ق.) گماشته شد به کوفه رسید و در سخنانی به مردم گفت: «و قد بلغنی رفضکم المهلب؛ ماجرای رهاکردن مهلب را به من رسید». وی در آن سخنان از نافرمانی‌های مردم کوفه گله کرده بود (بلاذری، بی‌تا: ۲۷۶/۷؛ طبری، ۱۴۰۳: ۴۱/۵-۴۲). به دنبال آن ماجرا، مردم کوفه از پذیرش فرمانده جدید و فرمان‌برداری از او سر باز زدند و با او دشمنی کردند (بلاذری، بی‌تا: ۴۲۲/۷). مطالعه این نکته‌ها می‌تواند تصویری از بستر تاریخی‌ای به دست دهد که در آن اصطلاح «رافضه» زاده شد. امروزه نیز این واژه بسیار به کار می‌رود. آنچه در اینجا مهم است، شناخت معنای اصطلاحی و سیر تطور آن است. بدین سان، باید نگاهی به منابع پیشین انداخت تا از میان گزارش‌های ناهمسان، و بازگوکردن دیدگاه‌های گوناگون آن معنا را به دست آورد. این واژه بیشتر درباره شیعیان به کار رفته و در منابع اهل سنت به فراوانی دیده می‌شود. همچنان که در کنار آنها در منابع زیدی نیز به چشم می‌خورد. این واژه همواره در چارچوب لقبی توهین‌آمیز برای نکوهش شیعیان به کار رفته و یکی از ابزارهای مهم سرکوب شیعیان در درازای تاریخ بوده است. امروزه نیز برخی از گروه‌های تندروی سنی از این اصطلاح برای رواشمردن کشتار شیعه بهره می‌برند.

سیر تطور معنای اصطلاحی «رافضه»

معنای این واژه در درازای تاریخ اسلامی دست‌خوش دگرگونی‌هایی شده، و رفته‌رفته از معنای جدایی از قائد به معنای دیگری گسترش پیدا کرده است. در سده دوم و سوم به‌سان بدنامی اعتقادی قلمداد شد، به گونه‌ای که در بسترهای ناهمگون جامعه به نامی آشنا برای گروهی به کار می‌رفت و نشان از مکتب فکری شناخته‌شده‌ای داشت. درباره

معنا و مفهوم این واژه دو رویکرد وجود دارد: رویکرد نخست، نگاهی تاریخی به این عنوان دارد، به گونه‌ای که بسیاری معتقدند پیدایش این عنوان از هنگامه قیام زید (متوفای ۱۲۱ ه.ق.) بوده است (طبری، ۱۴۰۳: ۴۹۷/۵-۴۹۸). با این حال، اندک کسانی تاریخ آن را به روزگار مغیره بن سعید بجلی (متوفای ۱۱۹ ه.ق.) برمی‌گردانند (ناشی اکبر، ۲۰۰۳: ۴۶، ش ۷۲). رویکرد دوم، نگاهی کلامی به موضوع دارد و اساسش برگرفته از باور تشیع در نارواشمردن خلافت شیخین است (ابوالحسن اشعری، ۱۴۲۶: ۳۳/۱). در این مقاله بنا نیست درباره مباحث کلامی بحث شود و فقط با رویکرد تاریخی سیر تطور معنای اصطلاحی را تحلیل و بررسی می‌کنیم. برای این هدف، منابع یافته‌شده بر پایه چیدمان تاریخی بررسی خواهند شد تا با معانی گوناگون این واژه آشنایی مناسبی به دست آید.

۱. اهل سنت

با واکاوی اصطلاح «رافضه» در منابع اهل سنت می‌بینیم که عنوان «رافضه» بسیار به کار رفته و به گونه‌ای مایه بدنامی شیعیان بوده است. چند معنا برای «رفض» در منابع سنی به کار رفته است که آنها را مرور می‌کنیم.

الف. نارواشمردن خلافت سه خلیفه نخست

نارواشمردن خلافت سه خلیفه نخست یکی از باورهای رافضه بوده که با نکوهش آنها نمایان می‌شد. برای نمونه، ابوصخر خزاعی (متوفای ۱۰۵ ه.ق.)، سراینده نامدار کیسانی (ذهبی، ۱۴۱۳: ۱۵۲/۵-۱۵۳، ش ۵۴)، در سروده‌ای از سه خلیفه نخست بیزاری جسته و ایمان خویش به امامت امام علی (ع) را نمایان کرده است (ابن‌قتیبه، ۱۴۲۷: ۴۹۴/۱، ش ۸۸۶). در آن روزگار هر گونه برتری دادن امام علی (ع) بر شیخین (ابوبکر و عمر) جرم انگاشته می‌شد و رافضه این گونه به دار مجازات محکوم می‌شدند (وکیع، بی‌تا: ۱۶۱/۳). همچنین، در نمونه دیگری، بشر بن معتمر (متوفای ۲۱۰ ه.ق.)، سرکرده معتزله در روزگار خویش (شهرستانی، بی‌تا: ۶۴/۱، ش ۵)، به فرمان هارون عباسی (حک. ۱۷۰-۱۹۳ ه.ق.) با بدنامی رافضی به زندان افتاد. وی در بندهایی، از رافضیان و مرجئه بیزاری جسته است. او از

باور خویش به خلافت ابوبکر، عمر و حضرت علی (ع) سخن گفته بود (خیاط، ۲۰۱۰: ۲۶۵). آن گونه که می‌دانیم موضوع روایی و ناروایی پیکارهای صحابه با یکدیگر همواره در آن روزگار محل بحث و جدل بوده است. در این میان رافضه، به‌ویژه تندروهایی که در سروده بشر با «الرافضة الغلاة» شناسانده شده‌اند، درباره صحابه نگاه منفی داشتند و حتی آنها را تکفیر می‌کردند (ابن‌قتیبه، بی‌تا: ۱۳-۱۴). مرجئه نیز همان گونه که آشکار است درباره کردار صحابه هیچ حکم نمی‌کردند و آن را به خدا ارجاع می‌دادند و درباره درستی و نادرستی رفتارشان دیدگاهی نداشتند و بدین سان برای آنها جایگاهی در بهشت قائل نبودند (شهرستانی، بی‌تا: ۱۳۹ به بعد). بدین گونه بشر در سروده‌اش کوشید خود را از تندروی و کوتاهی در حق یاران پیامبر خدا (ص) دور نگه دارد و باورش را همسان باور رسمی آن روزگار نشان دهد.

ب. نکوهش سلف

نکوهش یاران پیامبر خدا (ص) یکی از نشانه‌هایی بوده که رافضه بدان شناخته می‌شد. برای نمونه، سوار بن عبدالله (متوفای ۱۵۶ ه.ق.)، قاضی سرشناس دربار منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۴۵/۲-۲۴۶، ش ۳۶۱۳)، گواهی اسماعیل حمیری (متوفای ۱۷۳ ه.ق.) را که شاعر بنامی در ستایش اهل بیت (ع) بود (ذهبی، ۱۴۱۳: ۴۴/۸-۴۶، ش ۸؛ خوبی، ۱۴۱۳: ۹۰/۴-۹۴، ش ۱۴۳۲) از روی دشمنی با سلف نپذیرفته و به رفض نسبت داده است (مفید، ۱۴۱۴: ۹۲). حمیری در پاسخ به او با بندهایی از سلف بدگویی کرده است (وکیع، بی‌تا: ۷۵/۲).

ج. دوستداری اهل بیت (ع)

یکی دیگر از معانی به‌کاررفته برای «رفض» دوستداری اهل بیت (ع) است. برای نمونه، سروده‌ای از شافعی (متوفای ۲۰۴ ه.ق.)، امام شافعی، در پاسخ به اتهام وی به تشیع بازگفته شده است. او دوستداری اهل بیت (ع) را در «رفض» معنا کرده و به آن بالیده است (ابونعیم اصبهانی، ۱۳۹۴: ۱۵۲/۹-۱۵۳). البته وی در سروده دیگری این دوستداری را در جلوداشتن حضرت علی (ع) معنا کرده و آن را «رفض» انگاشته و در برابرش، یادکردن

نیکی‌های ابوبکر را به «نصب» معنا کرده است (ابن‌عساکر، ۱۴۱۸: ۱۴۶/۵۱). بدین‌سان دوستداری امامان شیعه (ع) با باور به ناروایی خلافت خلفا پیوسته است و میان آن دو، رویارویی است. اما اگر صرف دوستداری با پذیرش خلفا همراه بود دیگر رفض انگاشته نمی‌شد، آن‌گونه که شریک قاضی (متوفای ۱۷۷ ه.ق.) که یکی از بزرگان اهل سنت و قاضیان دربار عباسیان بود (ذهبی، ۱۳۸۲: ۲۷۰/۲-۲۷۴، ش ۳۶۹۷) در ردّ بدنامی‌اش به رفض، دوستداری‌اش به پیامبر خدا و خاندانشان (ع) را بیان داشته است (وکیع، بی‌تا: ۱۵۵/۳-۱۵۶).

د. برتری دادن امام علی (ع) بر عباس

با گذر زمان، برتری دادن امام علی (ع) بر عمویشان نیز رفض انگاشته می‌شد، آن‌گونه که در گزارشی، دسیسه‌ای میان برخی از درباریان متوکل عباسی (حک. ۲۳۲-۲۴۷ ه.ق.) رخ داده که در آن «رفض» به برتری دادن حضرت علی (ع) بر عمویشان عباس و جلوداشتن خاندان علی (ع) بر عباسیان در خلافت معنا شده است (مسعودی، ۱۴۰۴: ۲۳/۴-۲۴).

همان‌طور که آشکار شد، نارواشمردن خلافت خلفا در آغاز رفض انگاشته می‌شد. با گذر زمان، این معنا به معانی دیگری گسترش یافت، مثلاً نکوهش همه سلف یا بیشتر یاران پیامبر خدا (ص)، دوستداری اهل بیت (ع) و جلوداری امام علی (ع) بر خلفا نشانه رفض به شمار می‌رفت. در واقع، مهرورزی به امامان شیعه (ع) لازمه نارواشمردن خلافت دیگر خلفا بود. رفته‌رفته برتری دادن امام علی (ع) و فرزندان‌شان بر عمویشان عباس و عباسیان نیز به رفض شناخته شد. این‌گونه بود که برای معنای اصلی اصطلاح «رافضه» تطور معنایی رخ داد. روی هم رفته می‌توان گفت، گروه‌هایی همچون غالیان، کیسانیه و امامیه در آن روزگار با عنوان «رافضه» شناخته می‌شدند. این جریان‌ها در سه سده نخست به سبب کوشش‌های سیاسی و اجتماعی علیه مروانیان و عباسیان همواره نزد حاکمان و هواداران‌شان بدنام و دشمن شناخته می‌شدند (برای آگاهی از خاستگاه رافضه نک.: دباغی، ۱۳۹۸: ۲۷ به بعد). در برخی از منابع پیشین، رافضیان گروه تندروی شیعی بودند که در برابر گروه‌های تندروی اهل سنت یاد شده‌اند (ابن‌قتیبه، ۱۴۱۲: ۵۴). دو جریان

غاللیان و کیسانیان با تندروی در بیان باور به نارواشمردن خلافت شیخین و دوستداری اهل بیت (ع) که لازمه یکدیگر بودند، و رویارویی فکری با دیگر هواداران فرقه‌ها مایه تنش در جامعه بودند. آنها با تندروی در باورهایشان مایه انگیزش پیروان فرقه‌های دیگر می‌شدند (اسکافی، ۱۴۰۲: ۳۱-۳۳؛ خیاط، ۲۰۱۰: ۲۱۲-۲۱۳ و ۲۲۰). درباره کیسانیه بندهایی از علی بن جهم سلمی (متوفای ۲۴۹ ه.ق.)، که از شاعران ناصبی دربار متوکل عباسی (حک. ۲۳۲-۲۴۷ ه.ق.) بوده، درستی این گفتار را نشان می‌دهد (ابوالفرج اصفهانی، بی تا: ۳۸۴/۱۰). گرچه برجسته‌ترین انگیزه‌ای که دستاویز شده تا این گروه‌ها این عنوان را به دنبال خویش بکشند ناروادانستن خلافت شیخین بوده، ولی شکی نیست که کنش رویارویی اهل سنت در نام‌گذاری شیعیان به این نام ناپسند و آهنگ معنای برون‌رفت از آیین خود، تندروی آنها به شمار می‌آید. شایان‌ترین مستند آنها روایت‌هایی است که از پیامبر خدا (ص) بازگو کرده‌اند (برای آگاهی از این دست روایت‌ها، نک.: دباغی، ۱۳۹۸: ۶۵ به بعد). در این روایت‌ها رافضه گروهی مرتد یا مشرک شناسایی شده‌اند. مثلاً در روایتی پیامبر خدا (ص) رو به امام علی (ع) کرد و فرمود:

أبشر يا علي! أنت و أصحابك في الجنة إلا إن ممن يزعم إنه يحبك قوم يرفضون الإسلام يلفظونه يقال لهم الرافضة فإذا إلتقيتهم فجاهدهم فإنهم مشركون. قلت: يا رسول الله ما العلامة فيهم؟ قال: لا يشهدون جمعة و لا جماعة و يطعنون على السلف؛ اي علي! مژده باد تو را، تو و یارانت به بهشت خواهید رفت. مگر آنانی که ادعا کنند تو را دوست می‌دارند. آنان گروهی هستند که اسلام را رها کرده، لیکن آن را بر زبان روان خواهند کرد. بدانها رافضه گویند. اگر با آنها روبه‌رو شدی با آنان پیکار کن، زیرا مشرک‌اند. به ایشان گفتم: ای پیغمبر خدا، نشانه آنها چیست؟ ایشان فرمود: به نمازهای جمعه و جماعت نمی‌پیوندند و از سلف بدگویی می‌کنند (ابن‌ابی‌عاصم، ۱۴۱۳: ۴۶۱، ح ۹۸).

پرسمان نارواشمردن نمازگزاردن پشت سر پیش‌نمازان فاسق در نمازهای جمعه و جماعت از جمله احکامی بود که نشانه رافضه محسوب می‌شد (ابوالحسن اشعری، ۱۴۲۶: ۶۳/۱، ش ۲۸). زیدیه نیز در این حکم شرعی با رافضه هم‌نوا بودند (همان: ۷۶/۱، ش ۴۶). در

آن روزگار امامان نمازهای جمعه و جماعت از سوی فرمانروایان برگزیده می‌شدند. از این رو، نارواشمردن نمازگزاردن پشت سر آن پیش‌نمازان به گونه‌ای دشمنی سیاسی به شمار می‌آمد. رافضه این گونه با نپیوستن به دیگر مسلمانان در نمازها جایگاهشان را در برابر دستگاه سیاسی حاکم و ناهمدلی با حکمرانان آشکار می‌کردند (نک: دباغی، ۱۳۹۸: ۱۱۶ به بعد). اهل سنت همواره به امامیه ستم می‌کردند و با بدنامی به رفض، آنها را به زندان می‌افکندند. مثلاً در گزارشی آمده است که علی بن جعفر برمکی (متوفای پس از ۲۴۰ ه.ق.)، نماینده امام هادی (ع)، به دست متوکل عباسی (حک. ۲۳۲-۲۴۷ ه.ق.) زندانی شد (طوسی، ۱۴۰۴: ۸۶۵/۲-۸۶۶، ش ۱۱۲۹-۱۱۳۰). بدنامی به رفض در آن روزگار ابزاری سیاسی شده بود، به گونه‌ای که این اتهام می‌توانست جایگاه هر کسی را به ناگواری اندازد حتی اگر آن شخص از اهل سنت باشد. به دیگر سخن، نام ناپسند «رافضی» افزاری بود که در تسویه حساب‌های سیاسی در دربار به کار می‌رفت، آن گونه که در داستان ابوالعینا (متوفای ۲۸۲ ه.ق.) با اینکه یکی از کارگزاران منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) بوده (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۳۸۹/۳-۳۹۶، ش ۱۵۳۱) ماجرای بازگویی شده است (حصری، ۱۹۷۲: ۳۲۲/۱). فراتر از آن، کوچک‌ترین ناهمدلی با دستگاه سیاسی حاکم نیز رفض انگاشته می‌شد، گرچه آن ناهمدلی در اندازه خرده‌گیری به نادرستی قبله مسجدی باشد (وکیع، بی‌تا: ۲۸۶)، همانند پیشامدی که برای ابومنذر بجلی (متوفای ۱۹۰ ه.ق.) روی داد، با وجود اینکه او یکی از شاگردان ابوحنیفه (متوفای ۱۵۰ ه.ق.)، و یکی از قاضیان درباری نیز بود (خطیب بغدادی، ۱۴۱۷: ۱۸/۷-۲۱، ش ۳۴۸۴).

۲. زیدیه

گروه دومی که همواره امامیه را نکوهش می‌کرد زیدیه بود. زیدیان که خود را هم‌اورد امامیان می‌دانستند همواره در تلاش اثبات درستی و مشروعیت باورهایشان بودند و می‌کوشیدند نادرستی عقاید امامیه را به دیگران اثبات کنند. آنها با تخریب جایگاه امامیه به دنبال حفظ جایگاه خویش بودند. نمونه‌هایی را از معانی عنوان «رافضه» در منابع زیدیه مرور می‌کنیم.

الف. غلو

قاسم بن ابراهیم رسی (متوفای ۲۴۶ ه.ق.)، فقیه و متکلم برجسته و یکی از امامان زیدیه، در دو باب از کتابش که آن دو را با عنوان «رد بر رافضه» و دیگری «رد بر رافضیان غالی» آورده است از مباحث کلامی سخن گفته و باورهای رافضه را نقد کرده است. وی رافضیان را افرادی غالی و گمراه گرفته است (قاسم رسی، ۱۴۲۲: ۵۱۵/۱-۵۳۰ و ۵۳۳-۵۸۰). نمونه دیگر، محمد بن قاسم رسی (متوفای ۲۷۹ ه.ق.)، یکی از بزرگان زیدیه، رافضه را افرادی تندرو می‌داند که در رویارویی با ناصبیان در جامعه به تکاپو بودند. وی رافضیان را غالی پنداشته که امامان (ع) را به جایگاه پیامبری بالا بردند و باورهای غالیانه داشتند (محمد رسی، ۱۴۲۳: ۱۱۵-۱۱۷).

ب. کفر و شرک

معنای دومی که برای «رافضه» به کار رفته، برون‌رفت از آیین است. برای نمونه، یحیی رسی (متوفای ۲۹۸ ه.ق.)، بنیان‌گذار دودمان امامان زیدیه در یمن، با گفتار تندی رافضه را به سبب همراهی نکردن با دیگران در برخی از احکام شرعی به کفر نسبت داده است (یحیی رسی، ۱۴۱۰: ۴۵۴/۱-۴۵۵). وی در کتاب دیگرش رافضیان را مشرک دانسته و آنها را همسان حشویه گرفته و روایتی از پیامبر خدا (ص) در نکوهش آنها نقل کرده است:

یا علی! إنه سیخرج قوم فی آخر الزمان لهم نبز يعرفون به یقال لهم الرافضة فإن أدركتهم فاقتلهم فإنهم مشرکون فهم لعمری شر الخلق والخلیقة؛ ای علی! در آخر الزمان گروهی پدیدار خواهند شد که با لقبی شناخته می‌شوند که بدانها رافضه گویند. اگر با آنها روبه‌رو شدی، آنها را بکش، زیرا آنها مشرک‌اند. به خدا سوگند آنها بدترین آفریدگان هستند (همو، ۱۴۲۱: ۶۲).

زیدیه همسان اهل سنت به رویارویی با امامیه روی آوردند. آنها همواره ناسازگاری‌های امامیان با خویش را هم‌سنگ کفر گرفتند. در واقع، زیدیه با الگوگرفتن از اهل سنت و با همان شیوه کوشیدند امامیه را گروهی رانده‌شده از آیین اسلامی نشان دهند و جایگاهشان را پایین بکشند. به باور زیدیه، رافضه همان امامیه هستند، آنها افراد

تندرویی بودند که با باورهای غالبانه جایگاه امامان (ع) را تا جایگاه پیامبری بالا بردند و در حق ایشان غلو کردند. آنها همواره باورهای رافضیان را نقد می‌کردند و آنها را از گرد مسلمانان می‌رانند. برای دستیابی به آرمان‌هایشان تا آنجا پیش رفتند که به پیشگاه قدسی امام صادق (ع) تعرض، و مطالبی را بر ایشان ادعا کردند، آن‌گونه که سلیمان بن جریر، سرکرده سلیمانیه، ریشه بدا و تقیه را به آن امام همام (ع) بست و ایشان را به گمراه کردن یارانش متهم کرد (نوبختی، ۱۳۵۵: ۶۵-۶۶). با این حال برخی از نگارندگان سنی، زیدیان را در جرگه رافضیان راه داده‌اند (ابن‌قتیبه، ۱۹۶۹: ۶۲۲-۶۲۴). اما بیشتر اهل سنت زیدیه را از رافضه سوا می‌کنند و آنها را در برابر یکدیگر می‌گذارند (جاحظ، ۱۴۲۴: ۲۰۷/۱).

۳. امامیه

در منابع امامیه این عنوان به شیوه‌های گوناگون به کار رفته است، از جمله:

الف. دوستداری اهل بیت (ع)

سفیان عبدی (متوفای نزدیک به ۱۲۰ ه.ق.) سراینده بنامی بود که امام صادق (ع) یادگیری سروده‌هایش را سفارش می‌کرد (خویی، ۱۴۱۳: ۱۶۷/۹-۱۶۸، ش ۵۲۴۹). او در بندهایی از نسبت‌دادنش به رفض سخن گفته و انگیزه آن را مهرورزی به اهل بیت (ع) نشان داده و به آن بالیده است. در سروده وی آمده است: «لقبت بالرفض لما أن منحتهم** ودي و أفضل ما أَدعى به لقبی؛ به رفض لقبم دادند زیرا به آنان دادم** دوستداریم را و بهترین لقبی که بدان خوانده شدم» (امین، ۱۴۰۳: ۵۶۱/۱).

در نمونه دیگری، عبدالله بن نجاشی اسدی، یار امام صادق (ع) و والی اهواز که منصور عباسی (حک. ۱۳۶-۱۵۸ ه.ق.) او را گماشته بود (خویی، ۱۴۱۳: ۳۸۲/۱۱-۳۸۶، ش ۷۲۰۰)، به شماری از ناصبیانی که او را به رفض نسبت دادند، پاسخ داده و رفض را به معنای دوستداری خاندان پیامبر (ع) گرفته است (مرزبانی، ۱۴۱۳: ۱۵۵-۱۵۶).

ب. پیروی از اهل بیت (ع)

ابوبصیر اسدی (متوفای ۱۵۰ ه.ق.)، یکی از یاران موثق امام باقر و امام صادق (ع) (خویی، ۱۴۱۳: ۷۹/۲۱-۹۰، ش ۱۳۵۹۹)، نزد امام باقر (ع) از ستم مروانیان در کشتار شیعیان و به یغمابردن دارایی‌هایشان و نام‌گذاریشان به «رافضه» گله کرده است. امام (ع) برای آرامش وی فرمود:

أَنْ سَبَعِينَ رَجُلًا مِنْ عَسْكَرِ فِرْعَوْنَ رَفَضُوا فِرْعَوْنَ فَأَتَوْا مُوسَى (ع) فَلَمْ يَكُنْ فِي قَوْمِ مُوسَى (ع) أَحَدٌ أَشَدَّ إِجْتِهَادًا وَلَا أَشَدَّ حُبًّا لِهَارُونَ مِنْهُمْ فَسَمَاهُمْ قَوْمَ مُوسَى الرَّافِضَةَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى أَنْ أَثْبِتْ لَهُمْ هَذَا الْإِسْمَ فِي التَّوْرَةِ فَإِنِّي قَدْ نَحَلْتَهُمْ وَذَلِكَ إِسْمٌ قَدْ نَحَلْتُمُوهُ اللَّهُ؛ ۷۰ نفر از لشکر فرعون او را رها کرده و به موسی (ع) گرویدند. در میان یاران موسی (ع) کسی از آنها کوشاتر و دوستدارتر به هارون نبود. این‌گونه بود که یاران موسی (ع) آنها را رافضه نامیدند. خداوند به موسی (ع) وحی کرد و فرمود: این نام را برای آنها در تورات ثبت کن که من آن را بدانها بخشیدم. آن نام بخشایش خداوند به شما است (برقی، ۱۳۷۰: ۱۵۷/۱، باب رافضه، ح ۹۲).

در این روایت پیروی شیعیان از اهل بیت (ع) همسان مؤمنان بنی‌اسرائیل بازگو شده است. به گفته این روایت، نخستین کسانی که «رافضه» نامیده شدند، ۷۰ نفری بودند که فرعون را رها کرده و به آیین موسی (ع) درآمدند. دوستداری شدید آنها به هارون (ع) شایان توجه بوده است. در واقع، در اینجا تلاش شده جایگاه امام علی (ع) نزد پیامبر خدا (ص) که همسان جایگاه هارون (ع) به موسی (ع) در حدیث منزلت بود، نشان داده شود. همچنین، در این روایت لقب «رافضه» از جمله ودایع الاهی در تورات است که برای شیعیان به ارمغان گذاشته شده است (نک: دباغی، ۱۳۹۸: ۹۷ به بعد).

چون شیعیان به گونه فراگیر از دید اعتقادی با خلفا ناسازگاری داشتند، خلافت را حق ویژه اهل بیت (ع) می‌دانستند. این باور، خود گونه‌ای ناهمدلی با سلف، یعنی صحابه، به شمار می‌رفت. در مقابل، اهل سنت خود را پایه دین نهاده بودند و شیعیان را که پیرو خاندان پیامبر خدا (ع) بودند به گوشه‌ای کشیده و آنها را گروهی گمراه، و

بیرون از آیین اسلامی نشان دادند. اساس این پیشامد در نارواشمردن خلافت شیخین و پافشاری بر حق حضرت علی (ع) بوده است. در بندهایی از ابونواس (متوفای ۱۹۵-۲۰۰ ه.ق.) این گفتار به خوبی نمایان شده است (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۳۰۶/۲). همچنین، پیروان امامان شیعه (ع) در واکنشی به روایاتی که اهل سنت در نکوهش‌شان نقل می‌کردند و آنها را به پیامبر خدا (ص) نسبت می‌دادند، روایاتی در ستایش آن لقب ناخوشایند از اهل بیت (ع) نقل کردند و این‌گونه ناتوانی‌شان در رهایی از آن بدنامی را با نقل این نوع روایت‌ها جبران کردند و به گونه‌ای به هم‌کیشان خویش امید فردایی بهتر و سرانجام نیکویی می‌دادند (کلبرگ، ۱۳۹۸: ۲-۶).

با همه این گفته‌ها، آشکار شد که «رفض» با معنای نارواشمردن خلافت خلفا آغاز شد و آرام آرام به باور ناروایی خلافت شیخین و دوستداری اهل بیت (ع) اختصاص یافت. همان‌گونه که گفته شد، دوستداری به‌تنهایی ملاک نام‌گذاری به «رافضه» نبوده، بلکه مهرورزی لازمه باور به نامشروع‌بودن خلافت خلفا بوده است. رفته‌رفته این معنا هم‌سنگ برون‌رفت از آیین شد و رافضه افرادی کافر و مشرک شناخته شدند. البته عباسیان که به دنبال اثبات درستی امامتشان از سوی نیای خویش، عباس، بودند برتری دادن امام علی (ع) بر عمویشان را نیز ملاک بدنامی به «رافضه» گرفتند. بدین‌سان، «رفض» عنوانی اعتقادی بود که نشان از باور رافضیان به ناروایی خلافت خلفا و انحصار خلافت نزد اهل بیت (ع) داشت. در مقابل، برخی از پژوهشگران معتقدند این عنوان اصطلاحی سیاسی بوده است (توکلیان اکبری، فخلعی و صابری، ۱۳۹۱: ۲۵، ش ۵؛ خمینی، ۱۳۹۱: ۶۶۹/۱)، به گونه‌ای که برای شناسایی هر کس یا گروه معارض سیاسی به کار می‌رفت (سبحانی، ۱۴۱۰: ۱۲۲/۱-۱۲۳؛ معلم، ۱۴۱۸: ۵۵۹ و ۵۶۲). ولی به نظر نمی‌رسد این‌گونه بوده باشد، زیرا گروهی همچون خوارج که به عنوان مخالفان سیاسی امویان و عباسیان در جامعه دست به جنبش می‌زدند و با وجود اینکه در کنار رافضیان در شمار فرق گمراه نهاده شدند (ابن قتیبه، ۱۴۰۸: ۶/۱؛ بغدادی، ۱۴۱۵: ۱۴)، هیچ‌گاه «رافضه» نامیده نشدند. البته برخی مدعی‌اند خوارج به این لقب نامیده شدند (سبحانی، ۱۴۱۹: ۱۱۹)، اما هیچ‌کس آنها را با این عنوان نخوانده است (عاملی، ۱۴۲۴: ۹۳-۹۴). به هر روی، اهل سنت نارواشمردن

خلافت شیخین را برابر با برون رفت از دین گرفتند (ابونعیم اصبهانی، ۱۴۰۷: ۲۲-۲۳). بدین سان، هر تعرضی به آن دو نشان از رافضی بودن داشت.

نتیجه

همان گونه که دیدیم، معانی نارواشمردن خلافت خلفا، دشمنی با سلف، دوستداری اهل بیت (ع) و پیروی از آنها، کفر، شرک و غلو معانی «رفض» در تاریخ بودند. معنای اصلی آن اصطلاح ناروادانستن خلافت شیخین بوده است. در واقع، در سده نخست، جریان‌های شیعی برای گسترش باورهای خویش در تکاپو بودند، باورهایی همچون نارواشمردن خلافت شیخین، دست‌اندازی خلفا بر خلافت امام علی (ع) و باور به انحصار خلافت امامان (ع). در میان این جریان‌ها، پنداشت ناروادانستن خلافت شیخین و دوستداری اهل بیت (ع) به گونه‌ای تندروانه بازگویی می‌شد. این رویه، اهل سنت را برانگیخته کرد و گاهی آنها را به برهم‌کش با شیعیان کشاند. آن گونه بود که شیعیان با دشمنی حکمرانان و هواداران‌شان روبه‌رو شدند. فقهای گماشته حاکمان با دست‌مایه قراردادن احادیثی که از پیامبر خدا (ص) به دروغ بازگویی می‌شد شیعیان را به بزهکاری کفر و شرک در میان مسلمانان شناساندند. بدین سان، مفهوم «رفض» هم‌رسته کفر و شرک شد و این گونه به ناپسندترین لقب جامعه اسلامی شناخته شد. زیدیه، همگام با اهل سنت، امامیه را با آن نام ناخوشایند نشانه رفتند و همواره نکوهش کردند. رفته‌رفته با گذر زمان عنوان «رافضه» نشانه ویژه امامیه شد. در آن روزگار رافضه جریانی فکری قلمداد می‌شد که خلافت اسلامی را ویژه اهل بیت (ع) می‌دانست و خلفا، به‌ویژه شیخین، را از روی دست‌اندازی به شایستگی امامان شیعه (ع) برای خلافت امت اسلامی نکوهش می‌کرد.

منابع

- ابن أبی عاصم، عمرو بن ضحاک (١٤١٣). السنة، تحقیق: محمد آلبانی، بیروت: المكتب الاسلامی، الطبعة الثالثة.
- ابن سکیت، یعقوب بن اسحاق (١٤١٢). ترتیب إصلاح المنطق، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (١٣٧٦). مناقب آل أبی طالب، نجف: مكتبة الحيدرية.
- ابن عساکر، علی بن حسن (١٤١٨). تاریخ مدینة دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- ابن فارس، احمد (١٤٠٤). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بی جا: مكتبة الإعلام الاسلامی.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (١٤٠٨). غریب الحدیث، تحقیق: نعیم زرزور، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (١٤١٢). الاختلاف فی اللفظ والرد علی الجهمیه والمشبهه، تحقیق: عمر بن محمود، بی جا: دار الراية.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (١٤٢٧). الشعر والشعراء، تحقیق: احمد شاکر، قاهره: دار الحدیث.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (١٩٦٩). المعارف، تحقیق: ثروت عکاشه، مصر: دار المعارف.
- ابن قتیبه دینوری، عبد الله بن مسلم (بی تا). تأویل مختلف الحدیث، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن مزاحم، نصر (١٣٨٢). وقعة صفین، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، قاهره: مؤسسة العربية الحديثه، الطبعة الثانية.
- ابو نعیم اصبهانی، احمد بن عبد الله (١٣٩٤). حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، مصر: السعادة.
- ابو نعیم اصبهانی، احمد بن عبد الله (١٤٠٧). الإمامة والرد علی الرافضة، تحقیق: علی فقیهی، مدینه: مكتبة العلوم والحکم.
- ابوالحسن اشعری، علی بن اسماعیل (١٤٢٦). مقالات الإسلامیین واختلاف المصلین، تحقیق: نعیم زرزور، بی جا: مكتبة العصرية.
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین (بی تا). الأغانی، بی جا: دار إحياء التراث العربی.
- اسکافی، محمد بن عبد الله (١٤٠٢). المعیار والموازنة، تحقیق: محمد باقر محمودی، بی جا: بی نا.
- امین، سید محسن (١٤٠٣). أعیان الشیعة، تحقیق: سید حسن امین، بیروت: دار التعارف.

بازشناسی تاریخی سیر تطور معنای اصطلاح «رافضه» در سه سده نخست هجری / ۱۵۷

- برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۰). *المحاسن*، تصحیح: سید جلال‌الدین حسینی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- بغدادی، عبد القاهر بن طاهر (۱۴۱۵). *الفرق بین الفرق*، بیروت: دار المعرفة.
- بلاذری، احمد بن یحیی (بی تا). *أنساب الأشراف*، تحقیق: سهیل ذکار و ریاض زرکلی، بیروت: دار الفکر، ج ۷.
- توکلیان اکبری، محمود؛ فخلعی، محمد تقی؛ صابری، حسین (۱۳۹۱). «تأملی در مفهوم رفض و کفر رافضی»، در: *تاریخ فرهنگ*، ش ۸۹، ص ۲۸-۹.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۴۲۴). *الحيوان*، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- حصری، ابراهیم بن علی (۱۹۷۲). *زهر الآداب و ثمر الأبواب*، تحقیق: محمد محیی‌الدین عبد الحمید، بیروت - عمان: دار الجیل - مكتبة المحتسب، الطبعة الرابعة.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (۱۴۱۷). *تاریخ بغداد*، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دار الکتب العلمیه.
- خمینی، سید حسن (۱۳۹۱). «رافضه»، در: *فرهنگ فراگیر فرق اسلامی*، تهران: اطلاعات، چاپ سوم.
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳). *معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة*، بی جا: ثقافة الإسلامية، الطبعة الخامسة.
- خیاط، عبد الرحیم بن محمد (۲۰۱۰). *الإنتصار والرد علی ابن الروندی الملحد*، دمشق: دار التکوین.
- دباغی، حیدر (۱۳۹۸). *سیر تطور تاریخی اصطلاح «رافضه» در سه قرن نخست*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات تاریخ تشیع، استاد راهنما: علی آقانوری، استاد مشاور: نعمت‌الله صفری فروشانی، دانشکده شیعه‌شناسی، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۳۸۲). *میزان الاعتدال*، تحقیق: علی بجاوی، بیروت: دار المعرفة.
- ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۱۳). *سیر أعلام النبلاء*، تحقیق: حسین اسد، بیروت: مؤسسة الرسالة، الطبعة التاسعة.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۰). *بحوث فی الملل والنحل*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، ج ۱ و ۷، الطبعة الثالثة.
- سبحانی، جعفر (۱۴۱۹). *رسائل و مقالات*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- شهرستانی، محمد بن عبد الکریم (بی تا). *الملل والنحل*، تحقیق: محمد سید گیلانی، بیروت: دار المعرفة.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۳). *تاریخ الطبری*، بیروت: مؤسسة اعلمی، الطبعة الرابعة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *إختیار معرفة الرجال؛ رجال الکشی*، تحقیق: سید مهدی رجایی،

- تصحیح: میرداماد استرآبادی و محمدباقر حسینی، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عاملی، سید جعفر مرتضی (١٤٢٤). ابن عربی: سنی متعصب، بیروت: مرکز الاسلامی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (١٤١٠). العین، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرای، قم: مؤسسه دار الهجرة، ج ٧، الطبعة الثانية.
- قاسم رسی، ابن ابراهیم (١٤٢٢). مجموع کتب و رسائل الإمام القاسم بن ابراهیم الرسی، صنعاء: دار الحکمة الیمانیة.
- کلبرگ، اتان (١٣٩٨). «اصطلاح «رافضه» در کاربرد شیعه امامیه: ترجمه و نقد دو مقاله از اتان کلبرگ»، ترجمه: حیدر دباغی و محمدحسن محمدی مظفر، در: هفت آسمان، ش ٧٦، ص ١٧-٤٤.
- محمد رسی، ابن قاسم (١٤٢٣). مجموع کتب و رسائل الإمام محمد بن قاسم الرسی، تحقیق: عبد الکریم احمد جذبان، صعده: مکتبه تراث الاسلامی.
- مرزبان، محمد بن عمران (١٤١٣). أخبار السيد الحمیری، تحقیق: محمد هادی امینی، بیروت: شركة الکتبی، الطبعة الثانية.
- مسعودی، علی بن الحسین (١٤٠٤). مروج الذهب و معادن الجوهر، قم: دار الهجرة، چاپ دوم.
- معلم، محسن (١٤١٨). النصب والنواصب، بیروت: دار الهادی.
- مفید، محمد بن نعمان (١٤١٤). الفصول المختارة، تحقیق: سید نورالدین جعفریان و الآخرون، بیروت: دار المفید، الطبعة الثانية.
- ناشئ اکبر، عبد الله بن محمد (٢٠٠٣). مسائل الامامة ومقتطفات من الكتاب الأوسط فی المقالات، تحقیق: یوف فان اس، بیروت: ارغون فرلاغ.
- نوبختی، حسن بن موسی (١٣٥٥). فرق الشیعة، تصحیح: سید محمد صادق آل بحر العلوم، نجف: مکتبه المرتضویة.
- وکیع، محمد بن خلف (بی تا). أخبار القضاة، بیروت: عالم الکتب.
- یحیی رسی، ابن الحسین (١٤١٠). الأحکام، بی جا: بی نا، الطبعة الاولى.
- یحیی رسی، ابن الحسین (١٤٢١). مجموع رسائل الإمام الهادی إلى الحق القويم یحیی بن الحسین بن القاسم بن ابراهیم، تحقیق: عبد الله بن محمد شاذلی، صعده: مؤسسه الإمام زید بن علی الثقافیة.

References

- Abu al-Faraj Isfahani, Ali ibn al-Hosayn. n.d. *Al-Aghani*, n.p: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Abu al-Hasan Ashari, Ali ibn Ismail. 2005. *Maghalat al-Eslamiyin wa Ekhtelaf al-Mosallin (Islamists' Statements and Difference between Worshipers)*, Researched by Noaym Zorzur, n.p: Modern Library. [in Arabic]
- Abu Naim Esbahani, Ahmad ibn Abdollah. 1974. *Helyah al-Awliya wa Tabaghat al-Asfiya*, Egypt: Al-Saadah. [in Arabic]
- Abu Naim Esbahani, Ahmad ibn Abdollah. 1987. *Al-Imamah wa al-Radd ala al-Rafezah (The Imamate and the Response to the Rafezah)*, Researched by Ali Faghayhi, Medina: School of Science and Judgment. [in Arabic]
- Ameli, Seyyed Jafar Morteza. 2003. *Ibn Arabi: Sonni Moteasseb (Ibn Arabi: A Fanatical Sunni)*, Beirut: Islamic Center. [in Arabic]
- Amin, Sayyed Mohsen. 1983. *Ayan al-Shiah (The Shiite Luminaries)*, Researched by Sayyed Hasan Amin, Beirut: Al-Taarof House. [in Arabic]
- Baghdadi, Abd al-Ghaher ibn Taher. 1995. *Al-Fargh bayn al-Feragh (Differences between)*, Beirut: Institute of Knowledge. [in Arabic]
- Balazori, Ahmad ibn Yahya. n.d. *Ansab al-Ashraf*, Researched by Sohayl Zakar & Riyaz Zarakli, Beirut: Institute of Thought, vol. 7. [in Arabic]
- Barghi, Ahmad ibn Mohammad. 1991. *Al-Mahasen (The Virtues)*, Researched by Sayyed Jalal al-Din Hoseyni, Tehran: Islamic Books Institute. [in Arabic]
- Dabbaghi, Heidar. 2019. An Investigation into the Historical Evolution of the term Rafiḍa in the First Three Centuries, Master's Thesis in Shiite History Studies, Supervisor: Ali Aqanuri, Advisor: Nemat Allāh Safari Forushani, Faculty of Shiite Studies, Qom: University of Religions and Denominations. [in Farsi]
- Eskafi, Mohammad ibn Abdollah. 1982. *Al-Meyar wa al-Mowazanah (Criteria and Balance)*, Researched by Mohammad Bagher Mahmudi, n.p: n.pub. [in Arabic]
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad. 1990. *Al-Ayn (Eyes)*, Researched by Mahdi Makhzumi & Ibrahim Samerayi, Qom: Al-Hejrah Foundation, vol. 7, Second Edition. [in Arabic]
- Ghasem Rassi, Ibn Ibrahim. 2001. *Majmu Kotob wa Rasael al-Imam al-Ghasem ibn Ibrahim al-Rassi (Collection of Books and Treatises of Imam Ghasem ibn Ibrahim Rassi)*, Sana: The Yemeni House of Wisdom. [in Farsi]

- Hosri, Ibrahim ibn Ali. 1972. *Zahr al-Adab wa Thamar al-Albab (Flowers of Literature and Fruit of Hearts)*, Researched by Mohammad Mohyi al-Din Abd al-Hamid, Beirut-Oman: Al-Jayl Institute – Al-Mohtasab Library, Fourth Edition. [in Arabic]
- Ibn Abi Asem, Amr ibn Zahhak. 1993. *Al-Sannah (Tradition)*, Researched by Mohammad Albani, Beirut: Islamic School, Third Edition. [in Arabic]
- Ibn Asaker, Ali ibn Hasan. 1998. *Tarikh Madinah Demashgh (History of the City of Damascus)*, Researched by Ali Shiri, Beirut: House of Thought. [in Arabic]
- Ibn Fares, Ahmad. 1984. *Mojam Maghayis al-Loghah (Dictionary of Comparative Language)*, Researched by Abd al-Salam Mohammad Harun, n.p: Islamic Media Library. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1969. *Al-Maaref (Spiritual Teachings)*, Researched by Therwat Akashah, Egypt: House of Teachings. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1988. *Gharib al-Hadith (Hadith Terms)*, Researched by Naim Zarzur, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 1992. *Al-Ekhtelaf fi al-Lafz wa al-Radd ala al-Jahmiyyah wa al-Moshabbahah (Difference in the Words and Response to the Jahmiyyah and the Moshabbahah)*, Researched by Omar ibn Mahmud, n.p: House of Rayah. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. 2006. *Al-Sher wa al-Shoara (Poetry and Poets)*, Researched by Ahmad Shaker, Cairo: Institute of Hadith. [in Arabic]
- Ibn Ghotaybah Dinewari, Abdollah ibn Moslem. n.d. *Tawil Mokhtalaf al-Hadith (Interpretation of Different Hadiths)*, Beirut: Scientific Books House. [in Arabic]
- Ibn Mozahem, Nasr. 1963. *Waghah Seffin (Battle of Seffin)*, Researched by Abd al-Salaam Mohammad Harun, Cairo: Modern Arab Foundation, Second Edition. [in Arabic]
- Ibn Sekkit, Yaghub ibn Eshagh. 1992. *Tartib Eslah al-Mantegh*, Mashhad: Islamic Research Complex. [in Arabic]
- Ibn Shahr Ashub, Mohammad ibn Ali. 1957. *Managheb Al Abi Taleb (Virtues of Al Abi Taleb's Family)*, Najaf: Haydariyah Library. [in Arabic]
- Jahez, Amr ibn Bahr. 2003. *Al-Hayawan*, Beirut: Islamic Books House. [in Arabic]
- Khatib Baghdadi, Ahmad ibn Ali. 1997. *Tarikh Baghdad (History of Baghdad)*, Researched by Mostafa Abd al-Ghader Ata, Beirut: Scientific Books Institute. [in Arabic]

- Khayyat, Abd al-Rahim ibn Mohammad. 2010. *Al-Entesar wa al-Radd ala Ibn al-Rawandi al-Molhed*, Damascus: Al-Takwin House. [in Arabic]
- Khomeini, Sayyed Hasan. 2012. "Rafezah", in: *Pervasive Culture of Islamic Sects*, Tehran: Information, Third Edition. [in Farsi]
- Khoyi, Sayyed Abu al-Ghasem. 1993. *Mojam Rejal al-Hadith wa Tafsil Tabaghat al-Rowat*, n.p: Islamic Culture, Fifth Edition. [in Arabic]
- Kohlberg, Etan. 2019. "Estelah Rafezah dar Karbord Shiah Imamiyah: Tarjomeh wa Naghd Do Maghaleh az Etan Kohlberg (The Term Rafezah in the Application of the Imami Shiites: Translation and Critique of Two Articles by Ethan Kelberg)", Translated by Heydar Dabbaghi & Mohammad Hasan Mohammadi Mozaffar, in: *Seven Heavens*, no. 76, pp. 17-44. [in Farsi]
- Marzbani, Mohammad ibn Omran. 1993. *Akhbar al-Sayyed al-Hemyari*, Researched by Mohammad Hadi Amini, Beirut: Al-Katbi Company, Second Edition. [in Arabic]
- Masudi, Ali ibn al-Hosayn. 1984. *Moruj al-Zahab wa Maaden al-Jawhar (Meadows of Gold & Mines of Jewelry)*, Qom: Al-Hejrah House, Second Edition. [in Arabic]
- Moallem, Mohsen. 1998. *Al-Nasb wa al-Nawaseb*, Beirut: Al-Hadi Institute. [in Arabic]
- Mofid, Mohammad ibn Noman. 1994. *Al-Fosul al-Mokhtarah (Selected Chapters)*, Researched by Seyyed Nur al-Din Jafariyan, et al. Beirut: Al-Mofid Institute, Second Edition. [in Arabic]
- Mohammad Rassi, Ibn Ghasem. 2002. *Majmu Kotob wa Rasael al-Imam Mohammad ibn Ghasem al-Rassi (Collection of Books and Treatises of Imam Mohammad ibn Ghasem Rassi)*, Researched by Abd al-Karim Ahmad Jadban, Saada: Islamic Heritage Library. [in Arabic]
- Nashi Akbar, Abdollah ibn Mohammad. 2003. *Masael al-Imamah wa Moghtatafat men al-Ketab al-Awsat fi al-Maghalat (Imamate Issues and Excerpts from the Book Moderate among Words)*, Researched by Josef van Ess, Beirut: Arghun Ferlagh. [in Arabic]
- Nobakhti, Hasan ibn Musa. 1936. *Feragh al-Shiah (Shiite Sects)*, Edited by Seyyed Mohammad Sadegh Al Bahr al-Olum, Najaf: Al-Mortazawiyah Library. [in Arabic]
- Shahrestani, Mohammad ibn Abd al-Karim. n.d. *Al-Melal wa al-Nehal (Nations & Schools)*, Researched by Mohammad Sayyed Gilani, Beirut: Institute of Knowledge. [in Arabic]

- Sobhani, Jafar. 1990. *Bohuth fi al-Melal wa al-Nehal (A Companion to Nations and Schools)*, Qom: Islamic Publishing Institute, vol. 1 & 2, Third Edition. [in Arabic]
- Sobhani, Jafar. 1999. *Rasael wa Maghalat (Letters and Articles)*, Qom: Imam Sadegh Institute (AS). [in Arabic]
- Tabari, Mohammad ibn Jarir. 1967. *Tarikh al-Tabari*, Beirut: Alami Institute, Fourth Edition. [in Arabic]
- Tawakkolliyan Akbari, Mahmud; Fakhali, Mohammad Taghi; Saberi, Hosayn. 2012. "Taamoli dar Mafhum Rafz wa Kofr Rafezi (A Reflection on the Concept of Rejection and Excommunication of Rafezi)", in: *History of Culture*, no. 89, pp. 9-28. [in Farsi]
- Tusi, Mohammad ibn Hasan. 1984. *Ekhtiyar Marefat al-Rejal; Rejal al-Kashi*, Researched by Seyyed Mahdi Rajayi, Edited by Mirdamad Estarabadi & Mohammad Bagher Hoseyni, Qom: Al al-Bayt (AS) Institute. [in Arabic]
- Waki, Mohammad ibn Khalf. n.d. *Akhbar al-Ghozat*, Beirut: World of Books. [in Arabic]
- Yahya Rassi, Ibn al-Hosayn. 1990. *Al-Ahkam (Rulings)*, n.p: n.pub, First Edition. [in Arabic]
- Yahya Rassi, Ibn al-Hosayn. 2001. *Majmu Rasael al-Imam al-Hadi ela al-Haghh al-Ghawim Yahya ibn al-Hosayn ibn al-Ghasem ibn al-Ibrahim (Collection of Imam Hadi's Letters to the Rightly-Guided Yahya ibn Hosayn ibn Ghasem ibn Ibrahim)*, Researched by Abdollah ibn Mohammad Shazli, Saada: Imam Zayd ibn Ali Cultural Foundation. [in Arabic]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1963. *Mizan al-Etedal (Criterion of Justice)*, Researched by Ali Bajawi, Beirut: House of Knowledge. [in Arabic]
- Zahabi, Mohammad ibn Ahmad. 1993. *Seyr Alam al-Nobala (Lives of the Noble Figures)*, Researched by Hosayn Asad, Beirut: Al-Resalah Institute, Ninth Edition. [in Arabic]